فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس
دوره ۱۲، شماره ۱، شماره پیاپی (٤٥)، بهار ١٤٠٥، ص ۱۶۶ ـ ١٤١

مقاله پژوهشی

تأثیر تجربه دفاع مقدس بر شکل‌گیری و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سید محمدرضا موسوی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

چکیده:

اپلیکیشن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳٦۷–۱۳۵۹) که در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران از آن با عنوان «دفاع مقدس» یاد می‌شود، صرفاً یک منازعه نظامی نبود، بلکه تجربه‌ای تاریخی و هویت‌ساز به شمار می‌آید که پیامدهای عمیقی در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و گفتمانی جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشت. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تجربه تاریخی، شکل‌گیری و تقویت «گفتمان مقاومت» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ گفتمانی که بر مؤلفه‌هایی همچون مقابله با سلطه خارجی، حمایت از ملت‌های تحت فشار، اتکاء به ظرفیت‌های بومی و تأکید بر استقلال سیاسی و امنیتی استوار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تجربه دفاع مقدس بر شکل‌گیری و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که تجربه دفاع مقدس از چه طریق و با چه سازوکارهایی به شکل‌گیری و تثبیت این گفتمان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجامیده است. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل و رویکرد تحلیل گفتمان، به تحلیل پیوند میان تجربه جنگ و تحول در الگوهای سیاست خارجی ایران می‌پردازد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و تحلیل متون و منابع مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تجربه دفاع مقدس از طریق تقویت هویت انقلابی، مشروعیت‌بخشی به مقاومت در برابر فشارهای خارجی، برجسته‌سازی نقش بسیج مردمی و تأکید بر خوداتکایی راهبردی، زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان مقاومت را فراهم کرده و به تدریج آن را در ساختارها، نهادها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نهادینه ساخته است. در نتیجه، گفتمان مقاومت به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دهه‌های پس از جنگ تثبیت شده و در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته است.

واژگان اصلی: دفاع مقدس، گفتمان مقاومت، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) Smr.mousavi@kut.ac.ir

مقدمه

«دفاع مقدس» یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی معاصر ایران به شمار می‌آید که آثار و پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی برجای گذاشته است. این جنگ که در نخستین سال‌های استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران رخ داد، نه‌تنها به‌عنوان یک منازعه نظامی میان دو دولت قابل تحلیل است، بلکه به مثابه تجربه‌ای تاریخی و هویت‌ساز نیز مطرح می‌شود که تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری گفتمان‌ها، هنجارها و جهت‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است. در واقع، دفاع مقدس به‌عنوان یک تجربه جمعی و ملی، نقش مهمی در بازتعریف مفاهیمی همچون استقلال، امنیت، مقاومت و خوداتکایی در ساختار سیاسی و فکری جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده است. در میان پیامدهای متعدد دفاع مقدس، یکی از مهم‌ترین تحولات قابل توجه، شکل‌گیری و تقویت «گفتمان مقاومت» در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این گفتمان که در دهه‌های پس از جنگ به یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی ایران تبدیل شده است، بر مفاهیمی نظیر مقابله با سلطه و مداخله خارجی، حمایت از ملت‌های تحت فشار، تأکید بر استقلال سیاسی و امنیتی، و اتکاء به ظرفیت‌های داخلی و بومی استوار است. به بیان دیگر، تجربه جنگ و مقاومت در برابر تجاوز خارجی، زمینه‌های شکل‌گیری نوعی نگاه خاص به نظام بین‌الملل و نحوه تعامل با آن را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد؛ نگاهی که بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی و حفظ استقلال و هویت سیاسی کشور تأکید دارد.

از منظر نظری، سیاست خارجی دولت‌ها صرفاً محصول ملاحظات مادی و موازنه‌های قدرت نیست، بلکه تا حد زیادی تحت تأثیر هویت‌ها، گفتمان‌ها و تجربیات تاریخی قرار دارد. رویکردهای نوین در روابط بین‌الملل، به‌ویژه سازه‌انگاری، بر این نکته تأکید دارند که هویت‌ها و گفتمان‌ها در شکل‌دهی به منافع، ادراکات و رفتارهای سیاست خارجی دولت‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، تجربیات تاریخی مهم می‌توانند در شکل‌گیری هویت سیاسی یک کشور و در نتیجه در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن تأثیرگذار باشند. در این چارچوب، تجربه دفاع مقدس را می‌توان یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده به هویت سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دانست که در تکوین و تثبیت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی کشور نقش قابل توجهی داشته است. اهمیت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر تا حد زیادی در چارچوب گفتمان مقاومت قابل تحلیل است. بسیاری از مواضع و جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، از جمله تأکید بر استقلال سیاسی، مخالفت با سلطه قدرت‌های بزرگ، حمایت از جنبش‌های مقاومت و تأکید بر توانمندی‌های داخلی، در پرتو این گفتمان قابل فهم است. از این رو، شناخت ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری این گفتمان، به‌ویژه نقش تجربه دفاع مقدس در این فرآیند، می‌تواند درک عمیق‌تری از منطق و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد.

با وجود اهمیت این موضوع، بسیاری از مطالعات انجام‌شده درباره دفاع مقدس بیشتر بر ابعاد نظامی، تاریخی یا اجتماعی آن تمرکز داشته‌اند و کمتر به پیامدهای گفتمانی و تأثیرات آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. همچنین در حوزه مطالعات سیاست خارجی ایران، اگرچه به مفهوم گفتمان مقاومت اشاره شده است، اما ارتباط آن با تجربه دفاع مقدس به‌طور نظام‌مند و در چارچوب یک تحلیل نظری مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو، بررسی پیوند میان تجربه دفاع مقدس و شکل‌گیری و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به غنای ادبیات علمی در این حوزه کمک کند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش تجربه دفاع مقدس در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. به‌عبارت دیگر، این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چگونه تجربه جنگ و مقاومت در برابر تجاوز خارجی، به‌عنوان یک تجربه تاریخی مهم، بر شکل‌گیری هویت سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و زمینه‌های ظهور و تثبیت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی کشور را فراهم کرده است. در راستای تحقق این هدف، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا ضمن شناسایی مؤلفه‌های اصلی گفتمان مقاومت، سازوکارهای انتقال تجربه دفاع مقدس به عرصه سیاست خارجی و فرآیند نهادینه شدن این گفتمان در ساختارها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

ضرورت انجام این پژوهش از چند جهت قابل طرح است. نخست آنکه دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین تجربیات تاریخی جمهوری اسلامی ایران است که تأثیرات آن همچنان در عرصه‌های مختلف حیات سیاسی کشور قابل مشاهده است. بررسی علمی و تحلیلی پیامدهای این تجربه می‌تواند به فهم بهتر تحولات سیاسی و امنیتی ایران کمک کند. دوم آنکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر با چالش‌ها و تحولات متعددی در سطح منطقه‌ای و

بین‌المللی مواجه بوده است و تحلیل آن بدون توجه به مبانی گفتمانی و هویتی آن ممکن نیست. از این رو، بررسی ریشه‌های گفتمان مقاومت و نقش دفاع مقدس در شکل‌گیری آن می‌تواند چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم رفتار سیاست خارجی ایران فراهم آورد. سوم آنکه این پژوهش می‌تواند به توسعه ادبیات علمی در حوزه مطالعات دفاع مقدس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده و پیوند میان این دو حوزه مطالعاتی را روشن‌تر سازد. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تلاش می‌کند با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگاری و رویکرد تحلیل گفتمان، پیوند میان تجربه تاریخی دفاع مقدس و شکل‌گیری یک گفتمان مسلط در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به‌طور نظام‌مند مورد بررسی قرار دهد. در واقع، این پژوهش با عبور از نگاه صرفاً تاریخی یا نظامی به دفاع مقدس، آن را به‌عنوان یک تجربه گفتمان‌ساز و هویت‌آفرین تحلیل می‌کند که توانسته است بر جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد. از این منظر، دفاع مقدس نه‌تنها یک رویداد تاریخی، بلکه یکی از منابع مهم تولید معنا و هویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

در این پژوهش، برای تحلیل موضوع از چارچوب نظری سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بهره گرفته شده است. سازه‌انگاری بر نقش هویت‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی تأکید دارد و معتقد است که منافع و ترجیحات دولت‌ها اموری ثابت و از پیش تعیین‌شده نیستند، بلکه در بستر تعاملات اجتماعی و گفتمانی شکل می‌گیرند. بر اساس این رویکرد، تجربه‌های تاریخی مهم می‌توانند در شکل‌دهی به هویت و ادراکات یک دولت نقش مهمی ایفا کنند و در نتیجه بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن تأثیرگذار باشند. در این چارچوب، تجربه دفاع مقدس را می‌توان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری هویت مقاومت‌محور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای است. در این راستا، اسناد، متون و منابع مرتبط با دفاع مقدس، گفتمان مقاومت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان، نحوه شکل‌گیری و نهادینه شدن گفتمان مقاومت در سیاست خارجی ایران تحلیل شود. مقاله حاضر در چند بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، در بخش نخست مبانی نظری پژوهش و چارچوب مفهومی مرتبط با گفتمان مقاومت و رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، مفهوم و

مؤلفه‌های اصلی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین می‌شود. در بخش سوم، نقش تجربه دفاع مقدس در شکل‌گیری این گفتمان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش چهارم، فرآیند نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در ساختارها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری، یافته‌های اصلی پژوهش جمع‌بندی شده و دلالت‌های نظری و تحلیلی آن ارائه می‌شود.

۱- مبانی نظری پژوهش و چارچوب مفهومی: گفتمان مقاومت و رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل

برای تحلیل تأثیر تجربه دفاع مقدس بر شکل‌گیری و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بهره‌گیری از یک چارچوب نظری مناسب ضروری است. در این پژوهش، رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل به‌عنوان چارچوب نظری اصلی و مفهوم «گفتمان مقاومت» به‌عنوان چارچوب مفهومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازه‌انگاری با تأکید بر نقش هویت‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها، امکان تحلیل تأثیر تجربه‌های تاریخی و گفتمانی بر سیاست خارجی را فراهم می‌سازد.

۱-۱. سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل

سازه‌انگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم در نظریه روابط بین‌الملل، در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان واکنشی به رویکردهای مسلطی مانند واقع‌گرایی و نهادگرایی لیبرال مطرح شد. برخلاف رویکردهای سنتی که بر عوامل مادی همچون قدرت نظامی و منافع مادی تأکید دارند، سازه‌انگاری بر نقش عوامل اجتماعی، هنجاری و گفتمانی در شکل‌دهی به رفتار بازیگران بین‌المللی تأکید می‌کند. (Wendt,1999: 1)

الکساندر ونت، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری، معتقد است که ساختارهای نظام بین‌الملل نه صرفاً مادی بلکه اجتماعی هستند و هویت‌ها و منافع دولت‌ها در بستر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند (Wendt,1999: 39) از دیدگاه ونت، آنارشی در نظام بین‌الملل دارای معنای ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه معنای آن بر اساس تعاملات و برداشت‌های متقابل دولت‌ها شکل می‌گیرد. به بیان مشهور وی، «آنارشی همان چیزی است که دولت‌ها از آن می‌سازند (Wendt,1992: 395) در چارچوب سازه‌انگاری، هویت نقش مهمی در تعیین منافع و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها

دارد. دولت‌ها بر اساس درک خود از هویت خویش و دیگران، منافع خود را تعریف کرده و بر اساس آن اقدام می‌کنند. از این رو، تجربه‌های تاریخی مهم می‌توانند در شکل‌دهی به هویت ملی و سیاسی کشورها تأثیرگذار باشند و در نتیجه بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آنها اثر بگذارند (Hopf,1998: 175)

یکی از مفاهیم کلیدی در سازه‌انگاری، مفهوم «هنجار» است. هنجارها مجموعه‌ای از قواعد و انتظارات اجتماعی هستند که رفتار بازیگران را هدایت می‌کنند. فینمور و سیکینک معتقدند هنجارها می‌توانند از طریق فرآیندهای اجتماعی مانند اقناع، مشروعیت‌بخشی و درونی‌سازی در رفتار دولت‌ها نهادینه شوند این دیدگاه نشان می‌دهد که چگونه برخی ارزش‌ها و باورها می‌توانند در طول زمان به بخشی از هویت و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها تبدیل شوند. (Finnemore & Sikkink,1998: 894) از این منظر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان در چارچوب تعامل میان هویت، هنجارها و گفتمان‌های شکل‌گرفته در بستر تحولات تاریخی و اجتماعی کشور تحلیل کرد. تجربه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از جمله مهم‌ترین عوامل هویت‌ساز در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری گفتمان‌های مسلط در سیاست داخلی و خارجی کشور نقش داشته‌اند.

۱-۲. مفهوم گفتمان در تحلیل سیاست خارجی

مفهوم گفتمان یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی معاصر است. گفتمان به مجموعه‌ای از مفاهیم، معانی، ارزش‌ها و روایت‌هایی اشاره دارد که به‌وسیله آنها واقعیت اجتماعی معنا می‌یابد و چارچوبی برای درک و تفسیر پدیده‌های سیاسی فراهم می‌شود (Howarth,2000: 8)

در حوزه سیاست خارجی، گفتمان‌ها می‌توانند چارچوبی برای تعریف تهدیدها، منافع و اولویت‌های سیاست خارجی فراهم کنند. به عبارت دیگر، سیاست خارجی صرفاً نتیجه محاسبات مادی نیست، بلکه در بستر گفتمان‌های مسلط در جامعه و نظام سیاسی شکل می‌گیرد. از این رو، تحلیل گفتمان می‌تواند ابزار مناسبی برای فهم مبانی فکری و هویتی سیاست خارجی کشورها باشد. (متقی، ۱۳۹۱: ۹۶)

گفتمان مفهومی چندلایه و کلیدی در حوزه‌های زبان‌شناسی، فلسفه، علوم اجتماعی و سیاسی است که برای نخستین‌بار توسط داریوش آشوری در زبان فارسی معادل واژه "Discourse" به‌کار رفت (آشوری، ۱۳٦۸: ٤٥٤). گفتمان صرفاً گفتار یا متن نیست، بلکه به شبکه‌ای از مفاهیم، باورها،

کنش‌ها و ساختارهای قدرت اطلاق می‌شود که در یک زمینه اجتماعی معنا تولید می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۹؛ میلز، ۱۳۸۲: ۲۷). از منظر ون‌دایک، گفتمان یک رویداد ارتباطی و اجتماعی است (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷) و به‌زعم گی، فراتر از زبان بوده و با سبک زندگی، ابزارها و فضا پیوند دارد (Gee, 1999: 20).لاکلائو و موفه آن را شبکه‌ای از نشانه‌ها می‌دانند که از طریق مفصل‌بندی معنا می‌یابد و در رقابت با دیگر گفتمان‌ها برای تثبیت معنای مسلط می‌کوشد (لاکلائو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۱). به گفته میلز، گفتمان صرفاً بازتاب واقعیت نیست، بلکه در شکل‌دهی به موضوعات نقش دارد (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ٦٥)**.** در این چارچوب، «گفتمان‌سازی» فرآیندی است که یک نظام معنایی خاص را به گفتمان مسلط بدل می‌کند. دو رویکرد نظری درباره گفتمان وجود دارد:

۱. متن‌محور که آن را به زبان و نوشتار محدود می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷)؛

۲. اندیشه‌محور که گفتمان را نظامی زمینه‌مند، قدرت‌محور و فراگیر می‌داند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

رویکرد دوم در علوم اجتماعی معاصر رواج بیشتری دارد (لاکلائو و موفه، ۱۹۸۵؛ Gee, 1999)**.** از نگاه بوردیو نیز، مشروعیت گفتمان وابسته به جایگاه گوینده در میدان اجتماعی است (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ٦٥). در ادبیات جمهوری اسلامی، مفهوم گفتمان‌سازی برای نخستین‌بار توسط مقام معظم رهبری وارد شد و به‌عنوان فرآیندی فعال برای ترویج، جریان‌سازی، تصمیم‌سازی و شاخص‌سازی در راستای تثبیت معنای مطلوب در حوزه عمومی معرفی گردید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۸/۱٤؛ ۱۳۹۱/۱۲/۱٦). این رویکرد نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی، پشتیبانی نهادی، تولید معرفت نخبگانی و سرمایه‌گذاری رسانه‌ای است تا بتواند به هژمونی گفتمانی دست یابد.(احمدپور و موسوی، ۱٤۰٤: ۱٤۰)

۱-۳. گفتمان مقاومت

یکی از مفاهیم مهم در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم «گفتمان مقاومت» است. این گفتمان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی است که بر ضرورت ایستادگی در برابر سلطه و فشارهای خارجی، دفاع از استقلال سیاسی و حمایت از ملت‌های تحت فشار تأکید دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۸۵) گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران ریشه در مبانی فکری انقلاب اسلامی دارد. انقلاب اسلامی با شعارهایی همچون استقلال، آزادی و مقابله با سلطه قدرت‌های خارجی شکل گرفت و این مفاهیم به‌تدریج به بخشی از هویت سیاسی نظام تبدیل شدند. به اعتقاد برخی پژوهشگران، سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران از آغاز بر پایه نوعی هویت مقاومت‌محور شکل گرفته است که در آن مقابله با سلطه و حمایت از مستضعفان جهان جایگاه مهمی دارد. (Ramazani,2004: 553)

با این حال، تجربه دفاع مقدس نقش مهمی در تقویت و تثبیت این گفتمان ایفا کرد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به‌عنوان یک تجربه تاریخی مهم، نوعی روایت جمعی از مقاومت در برابر تجاوز خارجی را در جامعه ایرانی شکل داد. این تجربه نه‌تنها بر هویت ملی و سیاسی کشور تأثیر گذاشت، بلکه به مشروعیت یافتن گفتمان مقاومت در عرصه سیاست خارجی نیز کمک کرد.

۱-٤. دفاع مقدس و شکل‌گیری هویت مقاومت

در چارچوب سازه‌انگاری، تجربه‌های تاریخی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی کشورها ایفا کنند. جنگ‌ها به‌ویژه از جمله رویدادهایی هستند که می‌توانند به بازتعریف هویت ملی و امنیتی یک کشور منجر شوند (Barkin,2010: 33) در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تجربیات تاریخی کشور، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت سیاسی و امنیتی آن داشته است. دفاع مقدس در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نمادی از مقاومت، ایثار و دفاع از استقلال کشور معرفی می‌شود. این روایت گفتمانی به‌تدریج در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی بازتولید شده و به بخشی از هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در نتیجه، مفاهیمی همچون مقاومت، خوداتکایی و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی به عناصر مهمی در گفتمان سیاست خارجی ایران تبدیل شده‌اند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۹۱) بر اساس این دیدگاه، می‌توان استدلال کرد که تجربه دفاع مقدس نه‌تنها یک رویداد نظامی، بلکه یک تجربه هویت‌ساز بوده است که در شکل‌گیری گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرده است. این تجربه به تقویت باورهایی مانند ضرورت اتکا به توان داخلی، اهمیت بسیج مردمی و لزوم ایستادگی در برابر فشارهای خارجی انجامید.

۱-۵. نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی

یکی از مفاهیم مهم در چارچوب نظری این پژوهش، مفهوم «نهادینه‌سازی» است. نهادینه‌سازی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن یک مجموعه از ارزش‌ها، هنجارها یا گفتمان‌ها به‌تدریج در ساختارها، نهادها و رفتارهای سیاسی تثبیت می‌شوند. (Finnemore & Sikkink,1998: 895) در مورد جمهوری اسلامی ایران، گفتمان مقاومت به‌تدریج در نهادها و سیاست‌های

مختلف کشور بازتاب یافته است. این گفتمان در اسناد بالادستی، سخنان مقامات سیاسی، سیاست‌های منطقه‌ای و جهت‌گیری‌های کلی سیاست خارجی ایران قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، گفتمان مقاومت از سطح یک روایت سیاسی فراتر رفته و به بخشی از چارچوب هویتی و هنجاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. (واعظی، ۱۳۹۵: ۵۵) در مجموع، چارچوب نظری سازه‌انگاری با تأکید بر نقش هویت‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها، امکان تحلیل پیوند میان تجربه دفاع مقدس و گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازد. بر اساس این رویکرد، تجربه دفاع مقدس به‌عنوان یک تجربه تاریخی و هویت‌ساز، در شکل‌گیری و نهادینه شدن گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرده است.

۲- مقاومت در ایران و نگاه رهبران

با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و دینی ایران، این کشور همواره در معرض خطرات بوده است و رهبران سیاسی و مذهبی توجه ویژه‌ای به تقویت روحیه مقاومت داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی(۱۹۷۹ میلادی)، فشارها و دشمنی‌ها شدت گرفت و گفتمان مقاومت در سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری جایگاه معنوی و سیاسی ویژه‌ای یافت. رهبرشهید انقلاب، مقاومت را انتخاب راه درست، پافشاری بر آن، مقابله با مشکلات و حرکت مداوم در مسیر حق دانسته‌اند(بیانات در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ١٤ خرداد ۱۳۹۸) ایشان استقامت را یعنی استواری در حرکت بر راه مستقیم معرفی کرده‌اند(بیانات در نماز جمعه به مناسبت بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی، ١٤ خرداد ۱۳۸۹).

۲-۱. منطق گفتمان مقاومت از منظر رهبران انقلاب اسلامی

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، با تأکید بر مبانی عقلانی، دینی و علمی، یکی از ارکان بنیادین منطق مقاومت را حفظ «شرف، هویت و کرامت انسانی ملل» می‌دانست که هرگاه در برابر ظلم و تحمیل زور قرار گیرند، باید ایستادگی کنند(بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ١٤ خرداد ۱۳۹۸).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقاومت را نه تنها یک اقدام دفاعی، بلکه انتخابی استراتژیک و راهبردی برای تداوم حرکت در مسیر حق تلقی می‌کنند. ایشان بر پایداری و

ایستادگی مستمر در برابر مشکلات تأکید دارند و معتقدند که چنین استقامتی شرط لازم برای حفظ عزت و استقلال ملت‌ها است. این دیدگاه در بسیاری از بیانات ایشان به ویژه در نماز جمعه‌ها و مناسبت‌های بزرگداشت امام خمینی (ره) بیان شده است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه به مناسبت بیست‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ١٤ خرداد)

هر دو رهبر بزرگ بر این نکته تأکید دارند که مقاومت، هم یک وظیفه دینی و هم یک ضرورت تاریخی برای دفاع از استقلال، عزت و هویت مسلمانان است و ادامه این راه در برابر تهدیدات و سلطه‌گری بیگانگان الزامی است.

٢-٢. وظیفه مسلمانان براساس گفتمان مقاومت

بر این اساس، مقاومت به معنای پایبندی و ایستادگی در راه حق، دفاع از هویت و کرامت ملل در مقابل زورگویی‌ها و فشارهای خارجی تلقی می‌شود. مسلمانان ایران و مسلمانان جهان مکلف‌اند با اتکا بر این گفتمان، در برابر نفوذ و سلطه‌طلبی دشمنان بایستند و برای تحقق پیروزی جبهه حق بر باطل کوشش مداوم داشته باشند.

٢-٣. خاستگاه مقاومت

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمونهای بارز از گفتمان مقاومت جامعه مسلمان در برابر سلطه مستکبران جهانی است. این موفقیت نتیجه به‌کارگیری ظرفیت‌های رهایی‌بخش و آموزه‌های روایت شیعی اسلام سیاسی است که به‌عنوان الگویی نوین، مقاومت در برابر سلطه استکباری غرب و ارزش‌های استعلایی مدرنیته را به نمایش گذاشت و در تقابل با ارزش‌های دینی جایگاهی ویژه در قرن جدید یافت.

مهم‌ترین ویژگی این مکتب، اندیشه و راهبرد امام خمینی (رحمه‌الله) به عنوان یکی از رهبران برجسته جریان مقاومت، تفسیر عملی و عینی مفاهیم قرآنی همچون ایستادگی، مقاومت و تسلیم‌ناپذیری در برابر طاغوت‌ها، مشکلات و موانع بود. ایشان با عملکرد و مقاومت خود، بسیاری از آیات قرآن را به منصه ظهور رسانده و با الهام از سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در برابر تهدیدات، تطمیع و فریب ایستادگی کردند.

خداوند در قرآن کریم، رسول خود را به مقاومت و استقامت فرا می‌خواند:

«فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (سوره شوری: ١٤).

امام خمینی (رحمه‌الله) با اتکا به این آیات و اصول قرآنی، نه تنها در برابر دشمنان خارجی، بلکه

در مقابل انحرافات داخلی و فشارهای سیاسی نیز مقاومت نمود و الگویی عملی از مقاومت مبتنی بر ایمان و استقامت ارائه داد که در تاریخ معاصر بی‌نظیر است(خسروپور، ۱۳۹۸: ۱۱).

این گفتمان مقاومت تحت رهبری امام خمینی (رحمه‌الله) و ادامه‌دهنده راه ایشان رهبری معظم انقلاب اسلامی شهید حضرت آیت الله خامنه ای، پایه و اساس استراتژی مسلمانان برای حفظ عزت، استقلال و هویت در برابر تهدیدها و سلطه‌گری‌های جهانی شده است.

۳- مفهوم و مؤلفه‌های اصلی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون تحت تأثیر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و مفاهیم هویتی قرار داشته است که در قالب یک چارچوب معنایی خاص قابل تحلیل هستند. یکی از مهم‌ترین این چارچوب‌های معنایی، «گفتمان مقاومت» است که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. این گفتمان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی است که بر استقلال، مقابله با سلطه، حمایت از ملت‌های تحت فشار و اتکا به ظرفیت‌های داخلی تأکید دارد. در واقع، گفتمان مقاومت را می‌توان چارچوبی دانست که از طریق آن جمهوری اسلامی ایران نحوه تعامل خود با نظام بین‌الملل و سایر بازیگران را تعریف می‌کند. (متقی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

۳-۱. مفهوم گفتمان مقاومت

برای فهم مفهوم گفتمان مقاومت، ابتدا باید به مفهوم گفتمان در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل توجه کرد. گفتمان به مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها و معانی اشاره دارد که از طریق آنها واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی تفسیر و بازنمایی می‌شوند. گفتمان‌ها در واقع چارچوب‌هایی هستند که نحوه درک و تفسیر پدیده‌های سیاسی را شکل می‌دهند (Howarth,2000: 8) در این چارچوب، گفتمان مقاومت را می‌توان مجموعه‌ای از معانی و ارزش‌ها دانست که حول مفاهیمی مانند استقلال، مقابله با سلطه، دفاع از مظلومان و حفظ هویت اسلامی و انقلابی شکل گرفته است.

در ادبیات مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گفتمان مقاومت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گفتمان‌های شکل‌دهنده به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور مطرح شده است. دهقانی فیروزآبادی گفتمان مقاومت را مجموعه‌ای از اصول و جهت‌گیری‌ها می‌داند که بر «مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ، دفاع از استقلال سیاسی و حمایت از ملت‌های تحت فشار» تأکید دارد

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۸٤). این گفتمان در واقع ادامه منطقی شعارهای انقلاب اسلامی است که بر استقلال، نفی سلطه و حمایت از مستضعفان جهان تأکید داشت. از منظر برخی پژوهشگران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ترکیبی از عناصر ایدئولوژیک و واقع‌گرایانه دانست، اما گفتمان مقاومت یکی از عناصر هویتی ثابت در این سیاست خارجی بوده است (Ramazani,2004: 553) این گفتمان به جمهوری اسلامی ایران امکان می‌دهد که رفتار و مواضع خود در عرصه بین‌المللی را در چارچوب یک روایت هویتی و ارزشی تعریف کند.

۳-۲. ریشه‌های شکل‌گیری گفتمان مقاومت

گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ریشه در چند عامل تاریخی و فکری دارد. نخستین عامل، مبانی فکری انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران در فضایی شکل گرفت که انتقاد از سلطه قدرت‌های خارجی و تأکید بر استقلال سیاسی و فرهنگی یکی از محورهای اصلی آن بود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» نمادی از همین نگاه استقلال‌طلبانه و ضدسلطه محسوب می‌شود(Calabrese,1991: 22) عامل دوم، تجربه تاریخی مداخلات خارجی در ایران است. تاریخ معاصر ایران شاهد نمونه‌های متعددی از دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی کشور بوده است. این تجربه تاریخی موجب شکل‌گیری نوعی حساسیت نسبت به مسئله استقلال و مقابله با سلطه در فرهنگ سیاسی ایران شده است (Halliday,2005: 64) عامل سوم، تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است که در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران با عنوان دفاع مقدس شناخته می‌شود. این جنگ به‌عنوان یک تجربه مهم تاریخی، نقش مهمی در تقویت روحیه مقاومت و خوداتکایی در جامعه ایران ایفا کرد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تجربه دفاع مقدس به تثبیت و تقویت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۹۱)

۳-۳. مؤلفه‌های اصلی گفتمان مقاومت

گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و اصول تشکیل شده است که در کنار یکدیگر چارچوب هویتی و معنایی این گفتمان را شکل می‌دهند. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

استقلال و نفی سلطه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان مقاومت، تأکید بر استقلال سیاسی و نفی سلطه قدرت‌های

خارجی است. در این چارچوب، استقلال به معنای توانایی یک کشور در تصمیم‌گیری آزادانه در عرصه داخلی و خارجی بدون تأثیرپذیری از فشار یا مداخله قدرت‌های خارجی تعریف می‌شود. این اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و در اسناد رسمی و گفتمان سیاسی کشور به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این دیدگاه، حفظ استقلال سیاسی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. (واعظی، ۱۳۹۵: ۵۷)

حمایت از ملت‌های تحت فشار

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم گفتمان مقاومت، حمایت از ملت‌ها و جنبش‌هایی است که در برابر سلطه یا اشغال خارجی مقاومت می‌کنند. این اصل ریشه در مفهوم «حمایت از مستضعفان» در گفتمان انقلاب اسلامی دارد. در این چارچوب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد به حمایت سیاسی و معنوی از ملت‌هایی می‌داند که برای استقلال و آزادی خود مبارزه می‌کنند. این رویکرد به‌ویژه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران در دهه‌های اخیر قابل مشاهده است (Hunter,2010:137)

مقابله با هژمونی و یکجانبه‌گرایی

گفتمان مقاومت همچنین بر مخالفت با هژمونی قدرت‌های بزرگ و یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل تأکید دارد. از دیدگاه این گفتمان، نظام بین‌الملل نباید تحت سلطه یک یا چند قدرت بزرگ قرار داشته باشد و باید بر اساس اصول عدالت، برابری و احترام متقابل میان کشورها اداره شود. برخی پژوهشگران معتقدند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از موارد در چارچوب مخالفت با نظم هژمونیک جهانی قابل تحلیل است (Halliday,2005: 72)

خوداتکایی و تقویت توان داخلی

یکی دیگر از عناصر مهم گفتمان مقاومت، تأکید بر خوداتکایی و تقویت ظرفیت‌های داخلی است. تجربه تحریم‌ها و فشارهای خارجی موجب شده است که در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اتکا به توان داخلی به‌عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار گیرد. در این چارچوب، توسعه توانمندی‌های علمی، اقتصادی و دفاعی کشور به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حفظ استقلال و مقاومت در برابر فشارهای خارجی تلقی می‌شود (Hunter,2010:141)

هویت اسلامی و انقلابی

هویت اسلامی و انقلابی نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این هویت بر ارزش‌هایی مانند عدالت، حمایت از مظلومان و مقابله

با ظلم تأکید دارد و در بسیاری از مواضع سیاست خارجی کشور بازتاب یافته است. بر اساس این دیدگاه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها بر اساس ملاحظات مادی و منافع کوتاه‌مدت تعریف نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از انقلاب اسلامی نیز قرار دارد (Ramazani,2004: 555)

۳-٤. گفتمان مقاومت به‌عنوان چارچوب هویتی سیاست خارجی

مجموعه مؤلفه‌های یادشده نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت صرفاً یک شعار سیاسی یا تاکتیک موقت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه یک چارچوب هویتی و گفتمانی است که در طول زمان در ساختارهای سیاسی و نهادی کشور نهادینه شده است.

از منظر نظریه‌های سازه‌انگارانه در روابط بین‌الملل، هویت‌ها و گفتمان‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به منافع و رفتار دولت‌ها دارند (Wendt,1999:231) بر این اساس، گفتمان مقاومت را می‌توان بخشی از هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست که در طول زمان از طریق تجربه‌های تاریخی، گفتمان‌های سیاسی و فرآیندهای اجتماعی شکل گرفته و تثبیت شده است. در مجموع، گفتمان مقاومت چارچوبی مفهومی است که بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را قابل فهم می‌سازد. این گفتمان با تأکید بر استقلال، مقابله با سلطه، حمایت از ملت‌های تحت فشار، خوداتکایی و هویت اسلامی و انقلابی، به‌عنوان یکی از عناصر مهم هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح است. همچنین تجربه‌های تاریخی مهمی همچون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت این گفتمان ایفا کرده‌اند.

٤- نقش تجربه دفاع مقدس در شکل‌گیری گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹–۱۳٦۷) که در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «دفاع مقدس» شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی در شکل‌گیری هویت سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این جنگ نه تنها یک مواجهه نظامی میان دو کشور بود، بلکه تجربه‌ای اجتماعی، فرهنگی و هویتی محسوب می‌شود که آثار آن در ابعاد مختلف سیاست داخلی و خارجی ایران باقی مانده است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که تجربه دفاع مقدس نقش مهمی در تثبیت و تقویت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران داشته است. در واقع، این جنگ زمینه‌ای فراهم کرد تا مفاهیمی مانند مقاومت، خوداتکایی، ایستادگی در برابر فشارهای خارجی و دفاع از استقلال سیاسی به عناصر محوری در هویت سیاست خارجی ایران تبدیل شوند.

٤-١. دفاع مقدس به‌عنوان تجربه‌ای هویت‌ساز

در رویکردهای سازه‌انگارانه در روابط بین‌الملل، تجربه‌های تاریخی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های ملی و سیاسی ایفا می‌کنند. هویت‌ها از طریق تعاملات اجتماعی، روایت‌های تاریخی و تجربیات مشترک شکل می‌گیرند و در نهایت بر منافع و رفتار سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارند(Wendt,1999: 224) از این منظر، جنگ‌ها می‌توانند به‌عنوان نقاط عطفی در شکل‌گیری هویت ملی و امنیتی کشورها عمل کنند.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از مهم‌ترین چنین نقاط عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. این جنگ در شرایطی آغاز شد که جمهوری اسلامی ایران هنوز در سال‌های نخست پس از انقلاب قرار داشت و ساختارهای سیاسی و امنیتی کشور در حال شکل‌گیری بودند. حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ نه تنها تهدیدی برای تمامیت ارضی کشور محسوب می‌شد، بلکه به‌عنوان چالشی برای موجودیت نظام سیاسی جدید نیز تلقی شد(Hiro,1991: 58)

در نتیجه، دفاع در برابر این حمله به‌عنوان یک وظیفه ملی و انقلابی مطرح شد و مفاهیمی همچون ایثار، مقاومت و دفاع از استقلال کشور در گفتمان سیاسی و اجتماعی ایران برجسته شدند. این مفاهیم به‌تدریج به بخشی از هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند و در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست خارجی بازتاب یافتند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲:۹۱)

٤-٢. تقویت روحیه مقاومت در برابر فشارهای خارجی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تجربه دفاع مقدس، تقویت روحیه مقاومت در برابر فشارهای خارجی در سطح جامعه و نظام سیاسی ایران بود. در طول جنگ، ایران با مجموعه‌ای از فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی از سوی برخی قدرت‌های بین‌المللی مواجه بود. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که حمایت برخی قدرت‌های بزرگ از عراق در طول جنگ، در شکل‌گیری نگرش انتقادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل تأثیرگذار بوده است (Halliday,2005: 76) این تجربه تاریخی موجب شد که در گفتمان سیاست خارجی ایران، بی‌اعتمادی نسبت به قدرت‌های بزرگ و تأکید بر ضرورت مقاومت در برابر فشارهای خارجی

تقویت شود. به عبارت دیگر، دفاع مقدس به تثبیت این باور کمک کرد که حفظ استقلال و امنیت کشور نیازمند ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی است. در این چارچوب، مفهوم «مقاومت» به یکی از مفاهیم کلیدی در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و به‌تدریج در سیاست خارجی کشور نیز بازتاب یافت. این مفهوم به معنای ایستادگی در برابر سلطه و فشار قدرت‌های بزرگ و دفاع از استقلال سیاسی کشور تعریف شد.

٤-٣. تجربه خوداتکایی و شکل‌گیری رویکرد اتکا به توان داخلی

یکی دیگر از پیامدهای مهم دفاع مقدس، تقویت رویکرد خوداتکایی در سیاست‌های امنیتی و خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. در طول جنگ، ایران با محدودیت‌های جدی در زمینه دسترسی به تجهیزات نظامی و حمایت‌های بین‌المللی مواجه بود. این شرایط موجب شد که توجه به ظرفیت‌های داخلی و توسعه توانمندی‌های بومی در حوزه‌های مختلف اهمیت بیشتری پیدا کند. برخی پژوهشگران معتقدند که تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست خودکفایی دفاعی در ایران داشته است (Hunter,2010: 140) این رویکرد به‌تدریج به یکی از عناصر مهم گفتمان مقاومت تبدیل شد، زیرا در این گفتمان اتکا به توان داخلی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی حفظ استقلال و مقابله با فشارهای خارجی تلقی می‌شود.

از این منظر، تجربه دفاع مقدس نشان داد که یک کشور می‌تواند حتی در شرایط فشار و محدودیت‌های شدید نیز با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به مقاومت و دفاع از خود ادامه دهد. این تجربه تاریخی در شکل‌گیری نگرش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به موضوعاتی مانند تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی تأثیرگذار بوده است.

٤-٤. مشروعیت‌بخشی به گفتمان مقاومت

دفاع مقدس علاوه بر تقویت عناصر مفهومی گفتمان مقاومت، به مشروعیت یافتن این گفتمان در فضای سیاسی و اجتماعی ایران نیز کمک کرد. در طول جنگ، مقاومت در برابر تجاوز خارجی به‌عنوان یک ارزش ملی و دینی مورد تأکید قرار گرفت و به‌تدریج به بخشی از حافظه جمعی جامعه ایران تبدیل شد. حافظه جمعی حاصل از تجربه جنگ نقش مهمی در بازتولید گفتمان مقاومت در سال‌های پس از جنگ ایفا کرده است. این حافظه از طریق رسانه‌ها، ادبیات جنگ، یادمان‌های دفاع مقدس و گفتمان‌های رسمی سیاسی بازتولید شده و به بخشی از فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است (Keddie,2006: 292) در نتیجه، گفتمان مقاومت

نه‌تنها در سطح نخبگان سیاسی بلکه در سطح اجتماعی نیز از نوعی مشروعیت برخوردار شد. این امر به تثبیت این گفتمان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرد.

٤-٥. تأثیر دفاع مقدس بر جهت‌گیری‌های منطقه‌ای سیاست خارجی ایران

تجربه دفاع مقدس همچنین در شکل‌گیری برخی جهت‌گیری‌های منطقه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. یکی از پیامدهای جنگ، توجه بیشتر به اهمیت محیط امنیتی منطقه‌ای و ضرورت ایجاد شبکه‌هایی از همکاری و حمایت متقابل در منطقه بود. برخی تحلیلگران معتقدند که تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران موجب شد که در سیاست خارجی ایران توجه بیشتری به حمایت از گروه‌ها و بازیگران منطقه‌ای که در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی مقاومت می‌کنند، شکل بگیرد. این رویکرد در چارچوب گفتمان مقاومت قابل تحلیل است. در این چارچوب، حمایت از برخی جنبش‌ها یا بازیگران منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از سیاست مقابله با سلطه و تقویت محور مقاومت در منطقه مطرح شده است. چنین سیاست‌هایی نشان می‌دهد که تجربه دفاع مقدس تنها بر گفتمان داخلی ایران تأثیر نگذاشته، بلکه بر جهت‌گیری‌های منطقه‌ای سیاست خارجی کشور نیز اثرگذار بوده است.

٤-٦. دفاع مقدس و نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تجربه دفاع مقدس، نهادینه شدن گفتمان مقاومت در ساختارهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. نهادینه‌سازی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها در نهادهای رسمی، سیاست‌ها و رویه‌های حکمرانی تثبیت می‌شوند (Finnemore & Sikkink,1998: 895) در مورد جمهوری اسلامی ایران، مفاهیمی مانند مقاومت، خوداتکایی و دفاع از استقلال کشور در اسناد بالادستی، سیاست‌های دفاعی و گفتمان‌های رسمی سیاست خارجی بازتاب یافته‌اند. این امر نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت از سطح یک روایت سیاسی فراتر رفته و به بخشی از چارچوب هویتی و نهادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

٥- فرآیند نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در ساختارها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

گفتمان مقاومت به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در

طول چهار دهه گذشته به‌تدریج در ساختارهای نهادی، اسناد رسمی و جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی کشور نهادینه شده است. نهادینه‌سازی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری در ساختارهای سیاسی و تصمیم‌گیری تثبیت می‌شوند و به بخشی از قواعد پذیرفته‌شده در سیاست‌گذاری تبدیل می‌گردند. در مورد جمهوری اسلامی ایران، گفتمان مقاومت از طریق مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، ایدئولوژیک و نهادی در ساختار سیاست خارجی کشور جایگاه یافته و به یکی از عناصر هویتی این سیاست تبدیل شده است.

۵-۱. مفهوم نهادینه‌سازی در سیاست خارجی

در ادبیات علوم سیاسی، نهادینه‌سازی به معنای تثبیت یک مجموعه از ارزش‌ها، هنجارها و قواعد در ساختارهای رسمی و غیررسمی حکمرانی است. هنگامی که یک گفتمان به‌صورت پایدار در نهادهای تصمیم‌گیر، قوانین، اسناد رسمی و رفتار سیاست خارجی یک کشور بازتاب پیدا کند، می‌توان از نهادینه شدن آن گفتمان سخن گفت.

در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گفتمان مقاومت از طریق فرآیندهای مختلفی مانند تدوین اصول قانون اساسی، شکل‌گیری نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی، تدوین اسناد بالادستی و جهت‌گیری‌های عملی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی کشور نهادینه شده است. این فرآیند باعث شده است که مقاومت در برابر سلطه، دفاع از استقلال و حمایت از ملت‌های تحت فشار به اصولی پایدار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود.

۵-۲. نقش قانون اساسی در نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت

یکی از مهم‌ترین بسترهای نهادی شدن گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ تصویب شد، اصول و جهت‌گیری‌های کلی سیاست خارجی کشور را مشخص کرده و بسیاری از مفاهیم مرتبط با گفتمان مقاومت در آن مورد تأکید قرار گرفته است.برای نمونه، اصل ۱۵۲ قانون اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه «نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و دفاع از حقوق مسلمانان» تعریف می‌کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). این اصل به‌وضوح نشان می‌دهد که مقابله با سلطه و حفظ استقلال از همان ابتدا به‌عنوان یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. همچنین اصل ۱۵٤ قانون اساسی بر حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران

تأکید دارد. این اصل نشان می‌دهد که حمایت از ملت‌های تحت فشار و جنبش‌های آزادی‌بخش نیز به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. این اصول قانونی نقش مهمی در تثبیت و نهادینه شدن گفتمان مقاومت در سیاست خارجی کشور داشته‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

۵-۳. نقش نهادهای تصمیم‌گیر در سیاست خارجی

علاوه بر قانون اساسی، ساختار نهادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در نهادینه شدن گفتمان مقاومت نقش مهمی ایفا کرده است. سیاست خارجی ایران توسط مجموعه‌ای از نهادهای رسمی از جمله رهبری، شورای عالی امنیت ملی، وزارت امور خارجه و سایر نهادهای مرتبط طراحی و اجرا می‌شود. در این میان، شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی، نقش مهمی در تعیین راهبردهای کلان کشور دارد. این شورا با توجه به اصول قانون اساسی و جهت‌گیری‌های کلان نظام، سیاست‌های کلیدی در حوزه امنیت و سیاست خارجی را تدوین می‌کند (واعظی، ۱۳۹۵: ٦٨)

وجود چنین نهادهایی باعث شده است که اصول و مفاهیم مرتبط با گفتمان مقاومت در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی به‌طور مستمر بازتولید شوند. به عبارت دیگر، ساختار نهادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ای فراهم کرده است که در آن ارزش‌هایی مانند استقلال، مقابله با سلطه و حمایت از ملت‌های تحت فشار در تصمیمات سیاست خارجی انعکاس پیدا کنند.

۵-٤. نقش اسناد بالادستی در تثبیت گفتمان مقاومت

یکی دیگر از عوامل مهم در نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تدوین اسناد راهبردی و بالادستی است. این اسناد چارچوب‌های کلان سیاست‌گذاری کشور را مشخص می‌کنند و جهت‌گیری‌های بلندمدت در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست خارجی را تعیین می‌نمایند. برای نمونه، سند «چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران» که در سال ۱۳۸٤ تصویب شد، بر تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران و حفظ استقلال سیاسی کشور تأکید دارد. در این سند، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در منطقه و برخوردار از هویت اسلامی و انقلابی معرفی شده است (رضایی، ۱۳۹۰: ۸۷) همچنین در سیاست‌های کلی نظام که از سوی رهبری ابلاغ می‌شوند، مفاهیمی مانند عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این مفاهیم به‌طور مستقیم با اصول گفتمان

مقاومت مانند حفظ استقلال، مقابله با سلطه و دفاع از منافع ملی مرتبط هستند (ولایتی، ۱۳۹۳: ٤١)

۵-۵. بازتاب گفتمان مقاومت در جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی

نهادینه شدن گفتمان مقاومت تنها در سطح اسناد و ساختارهای رسمی محدود نمانده، بلکه در جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز قابل مشاهده است. در بسیاری از موارد، سیاست خارجی ایران در چارچوب حفظ استقلال سیاسی، مقابله با فشارهای خارجی و تقویت همکاری با کشورهای همسو تعریف شده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این گفتمان در سیاست خارجی ایران، تأکید بر چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی بارها بر ضرورت ایجاد نظم عادلانه‌تر جهانی و مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ تأکید کرده است (متقی، ۱۳۹۱: ١٢٦) همچنین سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز تا حد زیادی در چارچوب گفتمان مقاومت قابل تحلیل است. در این چارچوب، ایران تلاش کرده است با گسترش روابط با برخی بازیگران منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های سیاسی و امنیتی، نوعی موازنه در برابر فشارهای خارجی ایجاد کند.

۵-٦. نقش گفتمان سیاسی و فرهنگی در بازتولید مقاومت

نهادینه شدن گفتمان مقاومت تنها نتیجه عوامل نهادی و ساختاری نیست، بلکه گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی نیز در بازتولید و تثبیت این گفتمان نقش مهمی داشته‌اند. مفاهیمی مانند استقلال، مقاومت و مقابله با سلطه در سخنان رهبران سیاسی، رسانه‌ها، ادبیات سیاسی و برنامه‌های فرهنگی کشور به‌طور گسترده مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این بازتولید گفتمانی موجب شده است که گفتمان مقاومت نه‌تنها در سطح نخبگان سیاسی بلکه در سطح اجتماعی نیز مورد پذیرش قرار گیرد. به همین دلیل، این گفتمان به بخشی از فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

۵-۷. تأثیر تجربه‌های تاریخی در تثبیت گفتمان مقاومت

در کنار عوامل نهادی و گفتمانی، تجربه‌های تاریخی نیز در فرآیند نهادینه شدن گفتمان مقاومت نقش مهمی داشته‌اند. از جمله مهم‌ترین این تجربه‌ها می‌توان به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اشاره کرد. این رویدادها باعث شکل‌گیری نوعی حافظه تاریخی مشترک در جامعه ایران شدند که در آن مفاهیمی مانند مقاومت، ایستادگی و دفاع از استقلال جایگاه مهمی دارند. این حافظه تاریخی در طول زمان در گفتمان رسمی و سیاست‌های کشور بازتاب یافته و به تقویت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۹۸).

٦- دفاع مقدس عامل بازدارندگی کشور از تعرض مجدد دشمنان

دفاع مقدس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی ایران با ایجاد تجربه‌ای ارزشمند در دفاع از کشور، باعث تقویت توان نظامی و روحیه مقاومت ملت شد. این جنگ هشت‌ساله، نیروهای مسلح ایران را به دانش و تجربه بالایی در زمینه‌های مختلف دفاعی، از جمله تاکتیک‌های نبرد و توسعه تجهیزات نظامی، مجهز کرد. همچنین، فرهنگ ایثار و مقاومت در میان مردم نهادینه شد و شبکه‌ای مردمی از بسیجیان و نیروهای داوطلب شکل گرفت. دستاوردهای علمی و فناوری‌های نظامی در این دوره به خودکفایی در صنایع دفاعی منجر شد. از سوی دیگر، پیام صریح مقاومت ملت ایران به دشمنان این بود که هرگونه تجاوز با پاسخی قاطع روبه‌رو خواهد شد. این عوامل باعث ایجاد بازدارندگی مؤثر و کاهش تمایل دشمنان به تعرض مجدد شد.

مقام معظم رهبری هزینه داشتن تجاوز به خاک کشور برای بیگانگان را اینطور تبیین می‌نمایند: «جنگ تحمیلیِ هشت ساله بر کشور ما و مردم ما به همه نشان داد که تهاجم به جمهوری اسلامی پرهزینه است. فقط رژیم صدام در مقابل ما نبود؛ رژیم صدام و نیروهای مسلح صدامی از سوی شیاطین بزرگ عالم و شیطان بزرگ – آمریکا – تأیید میشد، حمایت میشد. شکست نیروهای مهاجم به کشور ما، در واقع شکست عمده قوای قدرتهای مسلح عالم و سیاستهای شیطانی آنها بود؛ فهمیدند با کی طرفند؛ با نظام اسلامی» (موسوی و موسوی، ١٤٠٣: ٧٠).

حضرت امام نیز در این باره می‌فرمایند: «از چیزهایی که ما متوجه قبلاً نبودیم و بعد متوجه شدیم، این است که این مشتی که شما جوانان ما و ارتش ما و پاسداران ما و سایر قوای مسلح و امدادی به دهان این مهاجمین زدید، این یک عبرتی می شود از برای دیگر حکام جوری که شاید یک وقت در مغز خودشان این تخیل پیش آمده است که ایران به هم ریخته است و خوب است که ما هم یک هجومی بکنیم ... از اموری که در این جنگ، که ما مکروه داشتیم، پیش آمد برای ما، این بود که به واسطهٔ شجاعت سربازان دلیر ما و شجاعت ملت بزرگ ما، که توانست این مطلب را تثبیت کند که کسی نمی تواند به این مملکت رخنه کند و کسی نمی تواند آسیب به این کشور برساند.» (موسوی خمینی، ١٣٦٧: ج١٥/٤٠١)

٧- دفاع مقدس، عامل پرورش روح و جسم مردم برای تداوم انقلاب

دفاع مقدس به عنوان یک رویداد تاریخی و حماسی، نقش بسزایی در پرورش روح و جسم مردم ایران برای تداوم انقلاب اسلامی داشت. این جنگ نه تنها باعث تقویت روحیه مقاومت و

ایثار در میان مردم شد، بلکه با ایجاد تحرک و خروج از سستی، جوهره فعـال و متحـرک انسـانها را بروز داد . حضور گسـترده مـردم در جبهـه‌ها و پشـت جبهـه‌ها، از جوانـان تـا پیرمـردان و زنـان، نشاندهنده همبستگی ملی و تقویت هویت ایرانـی–اسـلامی بـود. ایـن مشـارکت عمـومی، روحیـه انقلابی را در جامعه زنده نگه داشـت و باعـث شـد مـردم در برابـر تهدیـدات داخلـی و خـارجی ایستادگی کنند . همچنین، دفاع مقدس با ترویج فرهنگ شهادت و جهاد، تحول معنـوی عمیقـی در جامعه ایجـاد کـرد و مـردم را بـه سـمت ارزشـهای الهـی و انقلابـی سـوق داد. ایـن تجربیـات و دستاوردها، پایه‌های تداوم انقلاب اسلامی را تقویـت کـرده و الگـویی بـرای نسـلهای آینـده شـد. (موسوی و موسوی، ۱٤۰۳: ۷۱)

امام (ره) در این باره می فرمایند: « اصل جنگ، که واقع می شود، ولو تحمیلی است این جنـگ، لکن جنگ وقتی که واقع می شود، انسان را از آن خستگی و از آن چیزهـایی کـه سسـت مـی کنـد انسان را، از آن سستیها و خستگی‌ها بیرون می آید و فعالیت مـی کنـد و جـوهرهٔ انسـان، کـه بایـد همیشه متحرک و فعال باشد، بروز می کند. در استراحت و در راحت و در ایـن امـور، انسـان هـی کسل می شود، هی خمود می شود، قوای انسان خمود می شود، خصوصـاً آنهـایی کـه بـه عیّاشـی عادت دارند یا به رفاه عادت دارند، آنها دیگر بدتر خواهند شد. لکن وقتی کـه جنگـی در کـار مـی آید و حماسه ای وجود پیدا می کند و تاریک می شود شب و روشن می شود روز و توپ انداختـه می شود و اینها، انسان را از آن حال خمودی و از آن حال سستی بیرون می کنـد و انسـان آن واقـع خودش را، که فعال است و متحرک، آن واقع را بروز می دهد.» (موسوی و موسوی، ۱٤۰۳: ۷۱)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تجربه دفاع مقدس بر شکل‌گیری و نهادینه‌سـازی گفتمـان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. در این چارچوب تلاش گردیـد بـا بهره‌گیری از رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل و تحلیل گفتمان، پیوند میـان تجربـه تـاریخی جنگ تحمیلی و شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی سیاست خارجی جمهوری اسـلامی ایران مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان مقاومـت بـه‌عنوان یکـی از چارچوب‌های اصلی در فهم رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران، حاصل یک فرآینـد تـدریجی و چندبعدی است که در آن عوامل تاریخی، ایدئولوژیک، اجتماعی و نهادی نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

در این میان، تجربه دفاع مقدس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران صرفاً یک منازعه نظامی میان دو دولت نبود، بلکه به عرصه‌ای برای تثبیت ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی تبدیل شد. در جریان این جنگ، مفاهیمی همچون مقاومت، ایستادگی، ایثار، خوداتکایی و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور در سطح جامعه و ساختار سیاسی کشور تقویت شدند. این مفاهیم به‌تدریج به عناصر اصلی گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند و در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست خارجی بازتاب یافتند. بر اساس چارچوب نظری سازه‌انگاری، هویت‌ها و منافع دولت‌ها در تعاملات اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرند و ثابت و از پیش تعیین‌شده نیستند. در همین راستا، تجربه دفاع مقدس نقش مهمی در شکل‌گیری هویت خاصی برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی ایفا کرد؛ هویتی که بر استقلال، مقاومت در برابر فشارهای خارجی و مخالفت با سلطه قدرت‌های بزرگ تأکید دارد. این هویت در طول زمان در گفتمان رسمی و سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران بازتولید شده و به یکی از مؤلفه‌های اصلی رفتار خارجی کشور تبدیل شده است.

از سوی دیگر، بررسی مؤلفه‌های اصلی گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این گفتمان دارای عناصر مشخصی از جمله نفی سلطه و حفظ استقلال سیاسی، حمایت از ملت‌های تحت فشار، مقابله با هژمونی قدرت‌های بزرگ، تقویت خوداتکایی ملی و تأکید بر هویت اسلامی و انقلابی است. این مؤلفه‌ها نه‌تنها در گفتمان رسمی و ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران بلکه در بسیاری از جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی کشور نیز قابل مشاهده هستند. به بیان دیگر، گفتمان مقاومت به‌تدریج از سطح مفاهیم نظری و گفتمانی فراتر رفته و در سیاست‌ها و رفتارهای عملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز انعکاس یافته است. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران صرفاً نتیجه یک دوره خاص تاریخی نیست، بلکه از طریق فرآیند نهادینه‌سازی در ساختارهای حقوقی و نهادی کشور تثبیت شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اصولی همچون نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و حمایت از مبارزات حق‌طلبانه ملت‌ها، چارچوب حقوقی لازم برای شکل‌گیری این گفتمان را فراهم کرده است. علاوه بر این، نهادهای

تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی، مانند شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه، در بازتولید و تثبیت این گفتمان نقش مهمی ایفا کرده‌اند. همچنین اسناد راهبردی و سیاست‌های کلان نظام نیز در نهادینه شدن گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده‌اند. اسنادی مانند سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام در حوزه روابط خارجی، بر حفظ استقلال سیاسی، تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران و مقابله با فشارهای خارجی تأکید دارند. این اسناد نشان می‌دهند که گفتمان مقاومت نه‌تنها در سطح گفتمان سیاسی بلکه در برنامه‌ریزی‌های راهبردی و بلندمدت کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است.

افزون بر این، بازتولید مداوم مفاهیم مرتبط با مقاومت در گفتمان سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز در تثبیت این رویکرد نقش مهمی داشته است. مفاهیمی مانند استقلال، مقاومت و مقابله با سلطه در سخنان رهبران سیاسی، ادبیات سیاسی و برنامه‌های فرهنگی کشور به‌طور گسترده مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این امر موجب شده است که گفتمان مقاومت علاوه بر سطح نخبگان سیاسی، در سطح اجتماعی نیز جایگاه قابل توجهی پیدا کند و به بخشی از فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه دفاع مقدس نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است. این تجربه تاریخی با ایجاد نوعی حافظه جمعی و هویت مشترک مبتنی بر مقاومت و ایستادگی، زمینه لازم برای شکل‌گیری این گفتمان را فراهم کرده است. در ادامه، این گفتمان از طریق نهادهای رسمی، اسناد راهبردی و جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی کشور به‌تدریج نهادینه شده و به یکی از عناصر پایدار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به نقش تجربه دفاع مقدس و تأثیر آن بر شکل‌گیری گفتمان مقاومت امکان‌پذیر نیست. این گفتمان همچنان یکی از چارچوب‌های تحلیلی مهم برای درک رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود و انتظار می‌رود در آینده نیز در تعیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور نقش قابل توجهی ایفا کند.

.

منابع

موسوی خمینی، سید روح الله(۱۳٦۷). صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خامنه‌ای، سید علی. مجموعه بیانات مقام معظم رهبری. دسترسی در سایت https://www.khamenei.ir

احمدپور، علی و موسوی، سید محمدرضا(۱٤۰٤). ارکان پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس ۱۲ روزه سال ۱٤۰٤؛ تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری. مطالعات دفاع مقدس، ۱۱(۳)، ۱۳۷-۱٦۲.

آشوری، داریوش(۱۳٦۸). غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران. ایران نامه، ۲۷، ٤٥٤-٤٦۰.

خسروپور، معصومه(۱۳۹۸). منطق، هدف و قدرت مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب. پاسدار اسلام. ٥٥۰ و ٥٥۱، ٤۷-٤٦ http;//hawzah.net.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.

رضایی، مجتبی(۱۳۹۰). راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

فرکلاف، نورمن(۱۳۷۹). مطالعات و تحلیل انتقادی گفتمان (ترجمه جمعی از مترجمان). تهران: مرکز تحقیقات رسانه‌ها.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(۱۳٥۸)

متقی، ابراهیم(۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: الگوها و روندها. تهران: سمت.

مک‌دانل، دایان(۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان (ترجمه حسینعلی نوذری). تهران: فرهنگ گفتمان.

موسوی، سید محمدرضا و موسوی، سید علی محمد(۱٤۰۳). بررسی تحلیلی تأثیر دفاع مقدس بر استحکام و پایداری انقلاب اسلامی از منظر امامین انقلاب. مطالعات دفاع مقدس، ۱۰(٤)، ٥۷-۷٤.

واعظی، محمود(۱۳۹٥). ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت امور خارجه.

ولایتی، علی‌اکبر(۱۳۹۳). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران معاصر. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Barkin, J. S. (2010). Realist Constructivism: Rethinking International Relations Theory. Cambridge University Press.

Calabrese, J. (1991). Revolutionary Horizons: Regional Foreign Policy in Post-Khomeini Iran. New York: St. Martin’s Press

Finnemore, M., & Sikkink, K. (1998). International Norm Dynamics and Political Change. International Organization, 52(4), 887–917.

Gee, James Paul. (1999). An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method. London: Routledge.

Halliday, F. (2005). The Middle East in International Relations. Cambridge University Press
Hiro, D. (1991). The Longest War: The Iran-Iraq Military Conflict. London: Routledge.
Hopf, T. (1998). The Promise of Constructivism in International Relations Theory. International Security, 23(1), 171–200.
Howarth, D. (2000). Discourse. Buckingham: Open University Press.
Hunter, S. T. (2010). Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era. Santa Barbara: Praeger.
Keddie, N. R. (2006). Modern Iran: Roots and Results of Revolution. Yale University Press.
Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics. London: Verso.
Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). Hegemony and Socialist Strategy. London: Verso.
Ramazani, R. K. (2004). Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy. Middle East Journal, 58(4), 549–559.
Wendt, A. (1992). Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics. International Organization, 46(2), 391–425.
Wendt, A. (1999). Social Theory of International Politics. Cambridge University Press.